

بررسی عوامل و موانع رسیدن به مغفرت الهی از منظر قرآن کریم

زینب صابری^۱

چکیده

آنچه در این پژوهش مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، «جایگاه مغفرت» از منظر عموم مردم و تصریح آیات قرآن می‌باشد. و همچنین سعی شده عوامل و موانع کسب مغفرت مورد اهتمام و توجه قرار گیرد. این مطلب از این جهت حائز اهمیت است که بتواند مانع رشد تفکری در جامعه شود که باعث ریخته شدن قبح گناه و معصیت می‌گردد. این تفکر ناشی از لابلالی‌گری دینی است و بیان می‌کند که؛ خداوند غافر و آمرزنده است و از روی مهربانی و لطف بسیار خود، نا فرمانی و معصیت ما را نادیده می‌گیرد. پرداختن و دامن زدن به این تفکر شایع بین جوانان موجب می‌شود نقش عمل انسان در رسیدن او به سعادت، بسیار کم‌رنگ جلوه کند. در حالی که آیات قرآن میزان تاثیر عمل صالح در بهره مندی انسان از مغفرت را بسیار پر رنگ و برجسته می‌داند و آن را به صراحت و تفصیل بیان می‌کند و عامل اساسی نجات یا هلاکت را عمل نیکوکار و بدکار می‌داند. نوشتار حاضر پس از بیان شروط غفران الهی به تبیین جایگاه اساسی «عمل صالح» در رسیدن به مغفرت از منظر قرآن و اهل بیت می‌پردازد تا به شناسایی یکی از آفات تفکر اسلامی نزدیک شویم و آن مسأله «خوار شدن تاثیر عمل» در سعادت انسان است.

کلید واژه‌ها: مغفرت الهی، عوامل، موانع، قرآن کریم.

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه ریحانه الرسول تهران peyroevelayat.313@gmail.com

مقدمه

از آن جهت که ما در یک جامعه دینی زندگی می‌کنیم انتظار می‌رود که دارای سبک زندگی مؤمنانه باشیم. یعنی در تمام مراحل زندگیمان مراقب باشیم که از عالی‌ترین هدف زندگی که «تقرب به خدا» است دور نشویم.

اما چه چیز موجب می‌شود که برخی افراد دچار لاپالایی‌گری دینی شوند و اهمیتی برای اوامر خداوند و حدود الهی قائل نشوند؟ و خود را ملزم به طاعت خداوند نکنند! و ایمان داشتن شان در ظاهر و سبک زندگی آنها دیده نشود! از منظر قرآن ایمان وقتی اعتبار دارد که سر منشا تقوا و عمل صالح باشد، در غیر این صورت ایمان ارزشی ندارد.

آنچه اغلب افراد را نسبت به اوامر خداوند و حدود الهی بی‌توجه و غافل می‌کند؛ مغرور شدن به صفت «غفور» بودن خداست! می‌گویند خدا غافر است و ما را مورد عقاب و غضب خود قرار نمی‌دهد. معتقد هستند که خدای رحیم و غفور بزرگتر از آن است که ما را به خاطر نادیده گرفتن احکام و حدود الهی از رحمت خود دور کند. و ضرورتی برای بازگشت به سوی خدا نمی‌بینند. با این استدلال حدود الهی را کمرنگ کرده و نسبت به امر و نهی خداوند بی‌توجهی می‌کنند به طوری که دلیلی برای توبه و طلب مغفرت از درگاه ربوبیت، در اعمال و منش خود ندارند. اینگونه است که مغرور شدن به مغفرت الهی باعث پیروی از هوی نفس می‌شود تا جایی که انسان غرق در شهوات و غفلت گردد.

چنین افرادی اطاعت خدا و رسول را نخواهند کرد و بنده و برده طاغوت و استکبار جهانی میشوند. هرچند که ظاهراً مسلمان نامیده شوند. این نگرش خطرناک در مورد مغفرت، ایجاب می‌کند که از منظر قرآن، عوامل و موانع کسب مغفرت مورد بررسی و توجه قرار گیرد چرا که اگر بخواهیم جوانان جامعه، ایمانی آگاهانه داشته باشند باید دائماً آگاهی بدهیم و نگذاریم مومنین مغرور به مغفرت خداوند شوند.

ضرورت توبه و بازگشت به سوی خدا، و همچنین اهمیت جهاد، صبر، هجرت کردن در راه خدا و انجام عمل صالح را درک کنند. پرداختن به این مهم از این نظر ضرورت دارد که براساس دیدگاه قرآن مغفرت پاداشی است که به هرکسی نمی‌دهند چون رسیدن به مغفرت نتیجه با تقوا زیستن است. بنابراین باید همت کنیم، تلاش کنیم، عمل صالحی که موجب خوشنودی خداوند هست انجام دهیم و در این راه سرعت گرفته و از یگدیگر سبقت بگیریم تا در جرگه متقین قرار بگیریم که پاداش متقین و عمل‌کنندگان، مغفرت و جنت است.

۱- مفهوم شناسی کلیدواژه ها

۱-۱- مغفرت الهی

از ماده «غفر» بوده و در لغت به معنی پوشیدن چیزی که، انسان را از زشتی حفظ می‌کند. و در اصطلاح قرآنی به این معنی است که، خداوند عیوب و گناهان بندگان نادم را می‌پوشاند و آنها را از عذاب و کیفر حفظ کرده و اثر گناه را محو می‌نماید.^۱

عَفَّرَ (به فتح غین و سکون فاء) یکی از مفردات به کار رفته در قرآن کریم به معنای پوشاندن و مستور کردن است، این واژه دارای مشتقاتی است که در آیات قرآن به کار رفته است؛ مانند: عَفَّرَانَ (به ضم غین و سکون فاء) و مَعْفِرَاتٍ (به فتح میم و سکون غین و کسر فاء) به معنای آمرزیدن، و عَفَّارٍ (به فتح غین و تشدید فاء) و عَفُورٍ (به فتح غین) به معنای بسیار آمرزنده که از اسماء حسنی‌اند، و اِسْتِغْفَارٍ (به کسر الف و تاء و سکون سین و غین) به معنای طلب مغفرت می‌باشد.^۲

۱- بخشودن گناه.

۲- آمرزش؛ چشم‌پوشی از گناه کسی.

مترادف= آمرزش، آمرزیدگی، بخشایش، بخشش، غفران.^۳

۱-۲- عوامل

عوامل؛ اسم عربی گاوان کشت کاری و خرمن کوبی و مانند آن و پایها. و جمع عامل و جمع عامله.^۴ عوامل ج عامل.

۱- کارکنان

۲- کارگزاران

۳- خاک و آب و بذر و گاو و کار، که در عقد مزارعه منظور شود.

۴- در تداول، سببها و باعثها: یکی از عوامل حادثه فلان شخص بود.^۵

آنچه متداول است، عوامل مغفرت؛ موجبات مغفرت را فراهم می‌کند.

^۱ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دار العلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، چاپ یکم، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۹.

^۲ قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، برگرفته از مقاله "غفر"، ج ۵، ص ۱۰۷-۱۱۱.

^۳ لغت نامه عمید، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه مغفرت

^۴ فرهنگ نفیسی، ج ۴، ص ۲۴۲۵.

^۵ لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۰۲۵

۱-۳- موانع

موانع: عربی، جمع مانعة. اسم فارسی مأخوذ از تازی- بازدارندگیها و چیزهایی که باز دارند و ممانعت کنند کسی را از کاری و هر آنچه مانع اجرای کاری گردد.^۱
موانع ج مانع. چیزهایی که بازدارند و ممانعت کنند کسی را از کاری. هرآنچه مانع اجرای کاری گردد. عوائق. مشکلات بازدارنده از پیشرفت امور.^۲ موانع در اصطلاح؛ عراقیل، عقبات.^۳

۱-۴- قرآن کریم

روشن‌ترین و مناسب‌ترین معنا برای قرآن، اشتقاق آن از ماده قرا به معنای تلاوت کردن است. برخی علما گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است.^۴ قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم) نازل شده است، گفته می‌شود. قرآن، اسمی جامد و غیرمشتق و علم ارتجالی است و بدون آن که پیشینه استعمال در زبان عرب داشته باشد، خداوند به عنوان اسم خاص برای وحی‌ای که بر پیغمبرش نازل فرموده، قرار داده است.^۵

۲- خداوند غافر

در بین مردم، تفکری را شاهد هستیم که معمولاً مورد تایید عامه جامعه قرار می‌گیرد. این تفکر ناشی از نوع نگرش انسان به صفت غفار بودن خداوند است. گمان اغلب مردم این چنین است که اگر در زندگی فقط باعث اذیت و آزار دیگران نشویم که حق الناس به گردن ما نباشد، خداوند از حق خودش میگذرد و انسان را مورد مغفرت و رحمت خود قرار می‌دهد! بنابر این نوع تفکر یک مسلمان دیگر نیازی ندارد که خود را موظف به انجام واجبات و ترک محرمات بداند. مثلاً نماز را سبک می‌بیند، اگر شرایط به گونه‌ای بود که خواندن نماز واجب را موجب میشد؛ نماز میخواند، و اگر خواندن نماز مانع کارها و برنامه زندگی شود؛ نمیخواند! اگر در شرایطی انجام فعل حرامی میسر شد برای اینکه هم رنگ جماعت شود انجام می‌دهد به این امید که خداوند مهربان اهل مغفرت است و بندگان خود را مورد عقاب و سوال قرار نمی‌دهد.

^۱ فرهنگ نفیسی، ج ۵، ص ۳۵۷۲.

^۲ لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۴۵.

^۳ فرهنگ اصطلاحات روز، ص ۱۱۹.

^۴ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ج ۱، ص ۴۰۲.

^۵ قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، برگرفته از مقاله "قرآن"، ج ۵، ص ۲۶۲-۲۹۳.

این نوع نگرش مانع اقرار به گناه و توبه کردن به درگاه الهی می‌شود و در نهایت انسان تابع هوی نفس می‌شود و تمایلات نفسانی را ملاک رفتار و اعمال خود قرار می‌دهد، به جای اینکه امر و نهی الهی را ملاک قرار دهد. در نتیجه حدود الهی و اوامر خداوند را با خواسته های نفسانی می‌سنجد و به راحتی مورد تجاوز و مخالفت خود قرار می‌دهد. و در حالی که خود را امیدوار به مغفرت و رحمت خداوند می‌داند، جایگاه آخرت خودش را بهشت می‌پندارد.

۳- مغفرت / عقوبت

به راستی خداوند غفور، تمام بندگان خود را مورد مغفرت قرار می‌دهد؟ آیا مغفرت شامل حال همگان می‌شود؟

با نگاهی به آیات قرآن و توجه به متن پر محتوی آن متوجه می‌شویم که هر جا از مغفرت و رحمت گفته شده است حتما از عذاب و عقوبت هم گفته شده!

و در عین حال افراد خاصی را معرفی و توصیف می‌کند، به عنوان کسانی که مورد مغفرت قرار می‌گیرند. یعنی این افراد باید شرایط و اعمال خاصی داشته باشند تا مغفرت شامل حالشان شود. در آیات ۴۹ و ۵۰ سوره حجر، خداوند به پیامبر آخرالزمان می‌فرماید: "نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ"؛ «به بندگان من خبر بده» چه خبری بدهد؟ حتما این خبر مهم هست! خبر این است که «قطعاً من غفور و رحیم هستم و حتما عذاب من، عذاب پر دردی است» در این پیام مهم خداوند دقیقاً همان موقع که از غفور بودنش خبر می‌دهد، از عذاب دردناکش هم خبر می‌دهد. همچنین در سوره فصلت آیه ۴۳ می‌فرماید: "إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ" قطعاً خداوند هم صاحب مغفرت است و هم صاحب عقاب. بنابراین خداوند غافر، صاحب "عقاب و عذاب" هم هست!

۴- شرط غفران

خداوند برای چه کسانی غفور است و برای چه کسانی غفور نیست؟! بدیهی است که عقوبت و عذاب خداوند به کسانی میرسد که مورد مغفرت قرار نگرفته باشند. اینجاست که متوجه میشویم چرا می‌فرماید: "اتَّقُوا اللَّهَ!" بارها و بارها در قرآن تکرار شده و در روایات معصومین هم بسیار تاکید شده؛ بترسید از خدا؛ "ملاحظه حضور خداوند را بکنید!" و چه بیچاره و ذلیل است کسی که مورد مغفرتش قرار نگیرد و چه زیانکار و خسارت دیده است کسی

دانستن عوامل مغرت از این جهت حائض اهمیت است که؛ دست یافتن به مغرت خداوند برای ما مسلمین تنها راه رسیدن به سعادت ابدی است. و به تصریح آیات قرآن خداوند شرایط خاصی برای غفران خود قرار داده و مؤمنین را به آن تشویق کرد و مشخصات کسانی را که مورد مغرت قرار می‌گیرند را به تفصیل بیان کرده است؛ "وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ"^۱ و این وعده الهی است: مغرت برای کسانی است که عمل صالح انجام می‌دهند! منحصرآ برای آنهاست.

در آیات ابتدایی سوره انفال خداوند اوصاف مؤمنین حقیقی را بیان می‌کند و می‌فرماید: "لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ"^۲ مغرت برای مؤمنین حقیقی است.

۹- موانع

در بیان موانع کسب مغرت الهی به آیات ۴۸ و ۱۱۶ سوره نساء اشاره می‌کنیم. در این آیات شریفه خداوند می‌فرماید "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ" خدامند هرکه را به او شرک آورد نخواهد بخشید. مانع دیگر برای کسب مغرت در آیه ۸۰ سوره مبارکه توبه بیان شده است "إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ" درباره منافقین به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که اگر هفتاد مرتبه برای آنها طلب مغرت کنی خدا هرگز آنان را نخواهد بخشید! یکی از موانع مهم برای رسیدن به مغرت، آلوده شدن به شرک است. چنانچه در آیه ۱۳ سوره مبارکه لقمان، لقمان پسرش را موعظه می‌کند و می‌گوید: "يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ" شرک و نفاق دل را ظلمتکده ای میکند و مانع بزرگی در برابر کسب مغرت الهی میشود. "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ"^۳

سیر محتوایی بر اساس آیات؛

• «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۗ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ»^۴: پوشانده میشود حتی از خودشان!

و موفقیت و پیروزی یعنی اینکه انسان داخل بهشت شود؛

^۱سوره مائده(۵)، آیه ۹.

^۲سوره انفال(۸)، آیه ۴.

^۳سوره توبه(۹)، آیه ۶۷.

^۴سوره تغابن(۶۴)، آیه ۹.

«وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱

• کسی را بی دلیل وارد بهشت نمیکنند! «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ»^۲

• «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ»^۳: مغفرت و جنت به هم متصل هستند پی اگر کسی

مغفرت شامل حالش بشود وارد بهشت می شود!

• «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ»^۴: سبقت بگیرید از یکدیگر برای کسب مغفرت الهی. چون

به دنبال مغفرت، جنت هست!

• «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^۵: بشتابید،

سرعت بگیرید به سوی مغفرت و جنتی که آماده و مهیا شده برای متقین!

• آنها(متقین) پاداششان مغفرت و جنت است؛ «أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا»^۶، چه خوب است پاداش عمل کنندگان! «وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^۷

• معرفی متقین با بیان صفات آنها؛ «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ

النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۸ «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

لِدُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^۹

• در اصل، پاداش متقین مغفرت است! «أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ»^{۱۰} و آنکه پاک و طاهر شد؛

مستحق بهشت می شود! «وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا»^{۱۱}

^۱سوره تغابن(۶۴)، آیه ۹.

^۲سوره بقره(۲)، آیه ۲۱۴.

^۳سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۳۳.

^۴سوره حدید(۵۷)، آیه ۲۱.

^۵سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۳۳.

^۶همان، آیه ۱۳۶.

^۷همان.

^۸همان، آیه ۱۳۴.

^۹همان، آیه ۱۳۵.

^{۱۰}همان، آیه ۱۳۶.

^{۱۱}همان.

- هم به پاداش و هم به عقاب خداوند دقیقاً اشاره شده؛ «إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ»^۱
- امر به سرعت و سبقت؛ «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»^۲ «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»^۳ اما چگونه؟

• «وَأَنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ»^۴: مغفرت فقط شامل حال عمل کنندگان کنندگان می شود!

- دو آیه نهایی که ابتدا و انتهایش دقیقاً یکی هست:
- «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا» إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۵

«ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا» إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۶

نتیجه گیری

ما در شرایط مختلف زندگی، درگیر فتنه ها و امتحانات الهی زیادی اعم از فردی و اجتماعی هستیم. اگر در غفلت و شهوت و جهالت خود فرو رویم؛ حساسیت ما نسبت به حدود الهی کم می شود و با وجود آگاهی داشتن به حدود شرعی و اوامر الهی، در صدد تجاوز کردن از آن حدود بر می آییم. این مهم باعث میشود که امر و نهی خداوند را جدی نگیریم و نسبت به آن بی تفاوت شویم تا آنجا که از مدار تقوا خارج گردیم.

شیطان زشتی معصیت و عمل انسان را تزئین میکند تا او تابع هوی نفس خود شود. اگر در چنین حالتی خود را از چنگال نفسانیت آزاد کنیم و به سوی یاد خدا مهاجرت کنیم؛ به مغفرت الهی دست یافته ایم.

^۱سوره فصلت(۴۱)، آیه ۴۳.

^۲سوره آل عمران(۳)، آیه ۱۳۳.

^۳سوره حدید(۵۷)، آیه ۲۱.

^۴سوره طه (۲۰)، آیه ۸۲.

^۵سوره نحل(۱۶)، آیه ۱۱۰.

^۶سوره نحل(۱۶)، آیه ۱۱۹.

البته به کسانی وعدهٔ مغفرت و رحمت داده شده که در آزمون های الهی (فردی و اجتماعی) برای حفظ تقوا و آزاد شدن از نفسانیت و بندگی غیرخدا، جهاد و تلاش کنند و در مقابل سختی ها و مشکلات راه، صابر باشند.

بنابراین؛ زمانی ایمان افراد جامعه، ارزش دارد که سر منشأ تقوا و عمل صالح گردد و انسان را به مغفرت برساند. سرعت گرفتن و سبقت گرفتن از دیگران در انجام دادن اعمالی که باعث خشنودی خداوند می شود برای رسیدن به مغفرت الهی، مؤثرترین تلاش برای کسب آن است.

بدین معنا که وقتی شرایط گناه فراهم شد و غبار فتنه ما را احاطه کرد خیلی زود "به سوی یاد خدا هجرت کنیم" و با توکل بر او تلاش و جهاد کنیم و بر هوی نفس خود غلبه کنیم، در برابر سختی ها و مشکلات مسیر، صبور و مقاوم باشیم، تا دچار لغزش نشویم. ولی اگر چنانچه لغزیدیم و گرفتار معصیت و نافرمانی خداوند شدیم خیلی زود "توبه کنیم" و برگردیم و به اصلاح عمل خود پردازیم.

فهرست منابع

کتاب

*قرآن کریم

- ۱- اسدی مقدم، عباس علی، قرآن و بصیرت، محروم شدگان از رحمت و مغفرت الهی، ناشر: قلم و اندیشه، چاپ اول، ۱۴۰۱ ه.ش.
- ۲- باباشاه، کبری، مغفرت الهی در قرآن و عرفان، ناشر: آموزشی تالیفی ارشدان، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۳- جلاوند، علی کرم، مغفرت، عوامل و موجبات آن، ناشر: نورالسجاد، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- ۴- حسینی خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، گردآوری: صهبا / انتشارات موسسه ایمان جهادی، چاپ سی و سوم، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۵- طباطبایی، مهدی، سارعوا: سرعت به سوی مغفرت، ناشر: پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق: علی کرمی، ناشر فراهانی، ۱۳۹۹ ه.ش.
- ۷- فرحزاد، حبیب الله، امید به رحمت الهی، ناشر: عطش، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۸- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ۱۳۹۷ ه.ش.

- ۹- قمی، عباس، **مفاتیح الجنان**، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای/مصحح: محمدرضا رضوان طلب، قم: آیین دانش، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۱۰- کشاورز، رحیمه (و دیگران)، **واکاوی حقیقت مغفرت با رویکرد حل آیات مشکل قرآن**، ناشر: عاصم، چاپ اول، ۱۴۰۲.
- ۱۱- گندمکار، ابوالفضل، **رحمت و مغفرت الهی در قرآن**، ۱۳۹۹ ه.ش.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن ۸**، انتشارات صدرا، چاپ سی، ۱۳۹۹ ه.ش.

فهرست مقالات

- ۱- بازیانی، سمانه. کریمی نیا، محمدمهدی. انصاری مقدم، مجتبی، «بررسی معناشناسی واژگان حوزه غفران در قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآنی، دوره ۳ شماره ۱، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۲- قاسمی فیروزآبادی، مهدی، «مبانی عفو الهی»، ادیان، مذاهب و عرفان.
- ۳- لانگ، جفری، «آیا مغفرت الهی تنها به معنای عفو گناهان است؟»، علوم قرآن و حدیث.
- ۴- محمص، مرضیه، «مفهوم شناسی توصیفی مغفرت با تاکید بر روابط هم نشینی»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۱ شماره ۳، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۵- محمدی، سمیه، «معناشناسی واژه مغفرت در کلام الهی»، میان رشته ای.
- ۶- مصباح، محمدتقی، «در جست و جوی رحمت بی انتهای خداوند»، ادیان، مذاهب و عرفان.
- ۷- هراتی اردستانی، ندا. میردامادی، سیدمجتبی، «چرایی منع از استغفار برای مشرکان، کفار، منافقان در قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآنی، دوره ۳ شماره ۱، ۱۴۰۰ ه.ش.